شماره ۳
بهار و تابستان
۱۳۸۶

ولات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی قوم بختیاری

و سایر همزبانان لُر

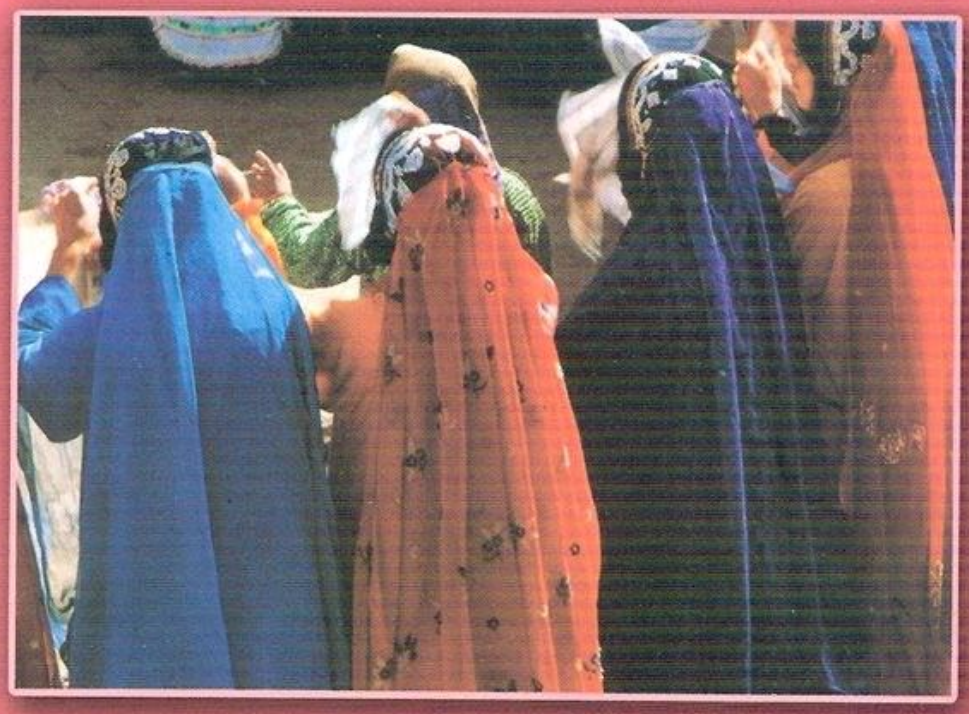

ویژه‌نامه

خودآموز زبان

لُری بختیاری

خودآموز زبان
لُری بختیاری

ویژه سومین شماره نشریه ولات

بنوار الیما (نور علی مرادی)

موارد اختلاف لهجه‌های (۱) و (۲) اندک بوده؛ اما منطقه جانکی گرمسیر و سردسیر که به لهجه (۳) صحبت می‌کنند، از لحاظ آواها، واژگان متمایز و مشخص بوده و هست.

مطلب زیر، مبتنی بر لهُجه هفتلنگ مرکزی، باب دورکی، طایفه اسیوند دو تیره شهماروند و گادَوش که تبار پدری و مادری منند، فراهم شده است.

حروف در گویش بختیاری بالغ بر ۳۱ حرف است. ۷ حرف مصوت، ۲۱ حرف صامت و ۳ حرف ویژه. چون خط عربی که زبان فارسی هم بدان نوشته می‌شود قادر به انعکاس مصوت‌ها و حروف ویژه نیست، ناچار حروف لاتین را با تغییراتی بکار گرفتم تا آینه تمام نمای آواها باشد.

گزینش این علائم سلیقه‌ای بوده و فقط به جهت راحت‌تر بودن کار بوده است.

* مصوت‌ها

َ = a همان فتحه

او = u

ُ = o همان ضمه

ای = i

ِ = e همان کسره است

ی، ِی = y

* صامت‌ها

د = d

م = m

ن = n

ب = b

ط ـ ت = t

پ = p

ه ـ ح = h

گ = g

خ = x

ج = j

چ = c

ر = r

س = s

ش = š

ل = L

ق = q̌ به صورت انفجاری اجرا می‌شود.

غ = q

ف = f

و = v

ض ـ ظ ـ ذ ـ ز = z

ژ = ž

ک = k

* حروف‌های ویژه

د = ď

ﺉ = ȟ

و = ǒ

* حرف ویژه

الف) د̆ = **d̆** در زبان لُری بختیاری، هنگامی که «د = **d**» پس از مصوت‌های **a** و **ă** و **u** و **o** و **i** و **e** و **y** بیاید، گونه‌ای ویژه که خاص بختیاری هاست، تلفظ می‌شود، بدین صورت که قسمت زیرین نوک زبان با دندان‌های پیشین فک زیرین مماس شده، اما با دندان‌های پیشین فک بالا تماس بسیار نامحسوس است. «د» پس از صامت‌ها به همان صورت معمول ادا می‌شود. این حرف ویژه بی‌شک همان «**ذال معجم**» است که روزگاری دیر در زبان فارسی هم تلفظ می‌شده و در متون به کرات آمده است. ذال معجم نیز پس از مصوت‌ها تلفظ می‌شده است، چرا که در متون آمده است:

آنانکه به فارسی سخن می‌رانند
در معرض دال، ذال را نشانند
ما قبل وی ارساکن جز وای بود
دال است وگرنه ذال معجم خوانند

یا:

در زبان فارسی فرق میان دال و ذال
با تو گویم زانکه نزدیک افاضل مبهم است
پیش از و در لفظ مفردگر صحیح ساکن است
دال باشد ورنه باقی جمله ذال معجم است

god̆ = گفت

bid̆ = بود

veyd̆ = آمد

dudemon̆ = دودمان

ب) ﻫ̆ = **h̆** گونه‌ای «ه» میان تهی یا شاید همان «**یای مجهول**»[1] تلفظی ما

---

۱. یای مجهول، در فارسی کهن و همچنین کُردی کنونی، تنها پس از واژگان مختوم به کسره تلفظ می‌شود، حال آن که در بختیاری آن گونه که در مثال‌های بالا می‌بینیم پس از ضمه و فتحه

بین «ه» و «الف» است، مانند:

pŏhl پؤل = پل

Tăhl تهُل = تلخ

šĕhr شئر = شیر (حیوان)

پ) و = **ŏ** «واو» ی ویژه که «واوغنه»اش می‌خوانند. این آوا که شاید روزگاری نه چندان دور پهنه‌ای گسترده از گفتار و واژگان را زیر فرمان داشت، روز به روز عرصه‌اش تنگ‌تر شده و جای خود را به صورت «**on**» می‌سپارد:

ŏ نو **nŏ** ← **non** = نان

ŏ دو **dŏ** ← **don** = دهن

* ضمایر

ضمایر شخصی منفصل (گسسته)

مو **mo** من		ایما **imă** ما	
تو **To** تو		ایسا **isă** شما	
هو **ho** او		هونو **honŏ** آن‌ها	
		اونو **unŏ** آن‌ها	

ضمایر شخصی متصل (پیوسته)

ام	**om**	**xardom**	مرا خورد
ات	**et**	**xardet**	ترا خورد
اس	**es**	**xardes**	او را خورد
مو	**mŏ**	**xardmŏ**	ما را خورد
تو	**Tŏ**	**xardTŏ**	شما را خورد

(مصوت‌های o و a) نیز تلفظ می‌شود.

سو	Sŏ	xardsŏ	ایشان را خورد

اسامی مختوم به مصوت، هنگام پذیرفتن ضمایر شخصی متصل ملکی در حالت اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد، تنها (M)، (T) و (S) می‌پذیرند مانند:

دام	dăm	مادرم
دات	dăt	مادرت
داس	dăs	مادرش

*** ضمایر اشاره**

یو **yo** این یونو **yonŏ** این‌ها

هو **ho** آن هونو **honŏ** آنها

*** صفت اشاره**

ای	i	این
او	u	آن
هِم	hem	همین
هَم	ham	همان
اینو	inŏ	این‌ها
اونو	unŏ	آن‌ها
همینو	heminŏ	همین‌ها
همنو	hameno	همان‌ها

ضمایر اشاره به تنهایی و بی‌همراهی اسم می‌آیند.

صفات اشاره به همراهی اسم می‌آیند و به آن اشاره می‌کنند.

*** ضمیر ملکی**

ضمیر ملکی: (ز **ze**) است که معنی «مال» و «متعلق به» دارد.

مال مخرا زبخرا

male maxorǎ ze bexorǎ

ثروت نخورنده مالِ خورنده است.

* ضمیر مبهم

ضمایر مبهم واژه‌هایی هستند که برکس یا چیز یا مقدار مبهمی دلالت می‌کنند مانند:

ائن	**ěhn**	چیز
همی	**hamey**	همگی
گش	**gěš**	همه
پای	**pǎy**	همه
دیری	**diyari**	دیگری
پُره	**pora**	خیلی
غلوه	**qalova**	خیلی
فره	**fera**	خیلی
دیرو	**diyarŏ**	دیگران
یه پاری	**yapǎri**	برخی
یکی دی	**yakidi**	یکی دیگر
هر که	**harke**	هرکس
هرچه	**harce**	هرچه
یو	**yo**	این
هو	**ho**	آن

* ضمایر پرسشی

که	**kěh**	چه کسی

کی	kay	کی، چه وقت
چن	cen	چه
چه	ce	چه
چند	cande	چقدر
کُ	ko	کدام
کنه	kone	کو
کسون	kosun	کجا
کیه	koye	کجا
کجه	koje	کجا
کچنو	kocenŏ	کجا
چجور	cejur	چگونه
چطو	cetav	چطور

*** صفت**

صفت، واژه یا گروهی از واژه‌هاست که درباره اسم توضیحی می‌دهد و یکی از ویژگی‌های اسم از قبیل حالت، مقدار، شماره و مانند آن را بیان می‌کند.

الف) صفت ساده: صفتی است که تنها چگونگی و خصوصیت موصوف را می‌رساند، بدون معنی فاعلی و مفعولی و نسبی و جز آن.

مانند: تی کال **Tikăl** چشم سبز

هرگاه بر صفتی ساده قصد تأکید یا مبالغه باشد و موصوف آن صفت جمع باشد آن صفت را دوباره تکرار می‌کنند:

آدمل لیش‌لیش **ădomališliš** = آدم‌های بدبد

گامئشون الوالو **gămehšon alvalv** = گاومیش‌های قهوه‌ای قهوه‌ای

گرگل ماما **gargale măma** = گوساله‌های ماده ماده

ب) صفت فاعلی: صفتی که بر کننده کاری دلالت کند و چند قسم است:

الف: بن مضارع + نده

بازنده **bǎzenda** ← باز (بن مضارع / رقص) + نده = رقاص

پاهنده **pǎhanda** ← پا (بن مضارع / پاس) + نده = پاسبان

ب: اسم + نده

بالنده **bǎlenda** ← بال (اسم / اندام پرنده) + نده = پرنده

سازنده **sǎzenda** ← ساز (اسم / آلت موسیقی) + نده = نوازنده

ج: بن مضارع + آ

کنا **konǎ** ← کن + آ = کننده

گرا **gerǎ** ← گر + آ = گیرنده

نشینا **nešinǎ** ← نشین + آ = نشیننده، نشسته

ورجرنا **vorjornǎ** ← ورجرن + آ = باکفایت و توانا

۲۸

د: پسوند (یر **yar**) یا (گر **gar**)

چینی یر / چینی گر = بافنده

برزه یر / بزره گر = درو کننده

ر: پسوند (**e**)

سره **Sar + e** سرکرده، رهبر

پره **Por + e** کامل، تمام

پ) صفت مفعولی: برکسی یا چیزی که فعل بر آن واقع شده است دلالت دارد:

بن ماضی فعل معلوم + (**a** آ)

اشکنادّه **ěskenǎd̆a** (**ěskenǎd̆ + a**) = شکسته شده

ونده **Vanda** (**Vand + a**) = انداخته

بسده **besda** (**besd + a**) = انداخته

چمنیده **comnid̆a** (**comnid̆ + a**) = زخم برداشته

* ت) **صفت نسبی**: صفتی است که بر کسی یا چیزی یا جایی نسبت داده می‌شود و نشانه‌های آن چند است:

الف: پسوند (ین **in**)

نشمین ← نَشم (ناز) + این = نازنین

جندی ← جِند (جن) + ین = جنی، جن زده

پزین ← پُز (کبر) + این = متکبر

گاه این پسوند صفت ساز به دنبال اسامی اعضاء و اندام آدمی می آید و علاوه بر ساختن نسبی افاده مفهوم مبالغه هم می‌کند. صفت حاصل قبیح و نازیباست. مانند:

جورین ← جُور (گُرده) + ین = گوژپشت

تلین ← تِل (شکم) + ین = شکم گنده

گدّین ← گَده (معده) + ین = شکمباره

ب: تکرار اسم + ین

هاک هاکین **hăk hăkin** = خاکی، خاک آلود

هل هلین **hol holin** = خاکستری، خاکستر آلود

لک لکین **lak lakin** = لکه‌ای، کک و مک دار

مل ملین **mel melin** = پرمو، آلوده به مو

تکرار دوباره اسم + ی جدا از مفهوم صفت نسبی، رسانندهٔ کثرت آن صفت در موصوف نیز هست.

ج: پسوند (ینه **ina**)

دردینه **dardina** = دردمند

سوزینه **sovzina** = سبزه‌رو

ماینه **măyna** = دوشیزه، جنس مؤنث

دسدینه **dasdina** = النگو

صفات برتر: نشانه آن در زبان بختیاری (تر **Tar**) است و برتری موصوفی

را بر موصوف دیگر نشان می‌دهد.

لیش‌تر **Lištar** = بدتر

نیاتر **niyatar** = جلوتر

صفت برترین = اگر بخواهند یکی را بر همه ممتاز کنند، با اضافه کردن اسم جمع (همه **hame**) صفت برترین درست می‌کنند.

زهمه لیش‌تر **ze hame lištar** = از همه بدتر

* چند پسوند صفت ساز

۱ـ(روو **ru**)

ماروو **Maru** = مؤنث، مادنیه

مردرو **merderu** = مذکر، نرینه

گروه روو **gereveru** = گریان، بچه یا کسی که بی‌تحمل است و اشکش زود در می‌آید.

۲ـاسم + e + Lu[1]

نازلو **nazelu** = پرناز، لوس

بادلو **badelu** = دردمند، مریض

۳ـ(او، **u**) برای مبالغه در صفت بد بکار می‌رود.

گردو	**gardu**	ولگرد
چرو	**coru**	پلشت
کمو	**komu**	شکم گنده
پومو	**pomu**	پخمه

۴ـ(آل **al**)

گنزال	**gehzal**	منگ، گیج

۱.لو Lu: دقیقاً تغییر یافته پسوند رو ru است.

ترال	**Tarăl**	زیباروی
چپال	**capăl**	چپ دست

۵ـ (آر **ăr**)

نووار	**nuăr**	نوین، مدرن
کهنار	**Kohnăr**	قدیمی، کهنه
کلار	**kalăr**	بزرگ، سالمند ← کل (پیر، کهن)
بایار	**băyăr**	معیوب ← بای (عیب)
شئوار	**sĕhvăr**	آویزان، سرازیر ← شئو (پایین)

۶ـ (دار **dăr**)[1]

زئمدار	**zăhmdr**	زخمی
دلدار	**deldăr**	شجاع، دلیر
عیودار	**eyvdar**	مریض احوال

۷ـ (مند **mand**)

هیکلمند	**heykalmand**	درشت اندام
دونست مند	**donestmand**	دانا
دوله‌مند	**davle mand**	ثروتمند

* اسم

اسم یا نام، کلمه‌ای است که با آن شخصی یا چیزی نامیده می‌شود. انواع اسم عبارت است از:

* اسم عام

نامی است برای اشیاء یا اشخاص همجنس مانند:

---

۱. ăl و ăr و dăr هر سه گونه‌هایی همسان، اما تغییر شکل یافته‌اند.

bard سنگ / **gahr** صخرهٔ کوه / **har** خر

* اسم خاص

نامی است برای یک چیز یا شخص معین مانند:

merdas مرداس نام شخص **malemir** / مالمیر نام شهر

* اسم ذات

مدلول آن در خارج وجود دارد و قائم به ذات است مانند:

mal آبادی، خانه / **kor** پسر

* اسم معنی

نامی است برای چیزی که وجودش در دیگری است و بدان قائم است مانند:

vir یاد / **lisi** زشتی

* اسم جمع

اسمی است در ظاهر مفرد و در باطن جمع مانند:

ordi لشگر / **heyl** طایفه، خیل

* اسم ساده

اسمی است که بیش از یک بخش نداشته باشد مانند:

cel دست / **pahr** برگ، ورق

* اسم مرکب

اسمی است که از دو بخش یا بیشتر ترکیب یافته مانند:

Torn = Tutorn (غلطان) + **Tu** (اطاق – خانه) = بام غلطان

tek + e = Lerteke (ساق) **ler** (گرد، چرخ) = ولگردی

* اسم مصغر

اسمی است که مفهوم خردی و کوچکی را برساند. بکارگیری اسم جهت ایفای این مفهوم در زبان بختیاری بسیار محدود است و چند علامت و نشانه نیز که این معنی را افاده می‌کنند چندان فعال نیستند و به سبب ایستایی زبان گستره عملکردشان محدود مانده است مانند:

(ul) :

mašg مشگ / **mašgul** مشک کوچک

xig خیگ / **xigul** خیک کوچک

dehg دئگ / **dehgul** دیگ کوچک

:(ila)

kăsa کاسه / **KăsiLa** کاسه کوچک

băca بچه / **baciLa** بچه کوچک

* (نقش‌ها) حالات اسم

حالت فاعلی: در این حالت اسم کننده کار است مانند: علی خوسی **ali xavis** علی خوابید که علی فاعل است.

حالت مفعولی: در این حالت فعل بر اسم جاری می‌شود مانند: علینه خونیم **aline axvnim** علی را خواباندم

حالت اضافی: اسم گاهی با کسره به کلمه بعد از خود اضافه می‌شود، اسم یا کلمه دوم به گونه‌ای کلمه نخستین را به خود وابسته می‌سازد، مانند:

اسپ علی **aspe ali** اسب علی

اسامی مختوم به مصوت در حالت مضاف کسره نمی‌گیرند و بدون هرگونه واسطه همراه مضاف الیه می‌آیند. مانند: داعلی **dă ali** مادر علی / کله خرس **kola xers** لانه خرس

* **حالت ندایی**: نشانه‌های آن چنین است:

الف) (ای **ay**) بیشتر در آخر اسم می‌آید و گاه پیش از آن.

کری **koray** ای پسر

هالوی **hăluay** ای دایی!

ای پیا **ey piya** ای مرد!

ب) گاه هیچ نشانه‌ای وجود ندارد مانند: جائل وره **jăel vore** جوان برخیز

* اسم مصدر

کلماتی که نشانه مصدری ندارند، ولی مفهوم مصدر را می‌رسانند.

الف) اسم مصدر پایان یافته به (شد **ĕsd**):

زئشد **zĕhĕsd** زندگی، آسایش و امنیت

زئنشد **zĕhnĕsd** سوزش درد

چرشد **cerĕsd** ضجه، فریاد

ب) اسم مصدر پایان یافته به (گری **gari**):

گوگری **govgari** اخوت، برادری

آدم‌گری **ădomgri** انسانیت

زنده‌گری **zende gari** حیات، زندگانی

لئوه‌گری **Lĕhve gari** جنون، دیوانگی

پ) اسم مصدر پایان یافته به (ی):

زمندی **zamandi** خستگی

گئپی **gĕhpi** بزرگی

ت) اسم مصدر پایان یافته به (**ăti**)

دشمناتی **Dĕšmenăti** دشمنی

لُریاتی **Loryăti** لُری، آنچه به قوم لُر منصوب است.

د) بن مضارع دو فعل **vane vorĕhz** بریز و بپاش

گرجم **gere jom** گیر و جنب (تهاجم)

* پسوندهای اسم ساز

الف) (لو **Lŏ**) پسوند مکان:

مرغ لو **marqelŏ** چمنزار

رئزلو **rĕhzelŏ** ریگزار

گنج لو **gonjelŏ** لانه زنبوران

ب) (لون **lon**) پسوند مکان، گونه‌ای دیگر از تلفظ (**lŏ**) می‌باشد.

رئگ لون **rĕhge lon** ریگزار

سوزن لون **sovze lon** سبزه‌زار

هیمه‌لون **hime lon** انبار هیزم

پ) (گه **ga**) پسوند مکان:

مافگه **măfega** یاد مرگ، بنای یادمان

کلگه **kalga** خرابه

دوگه **davga** معرکه، کارزار

لئزگه **lĕhzga** استراحتگاه، خوابگاه

ت) (یه **ya**) پسوند مکان، گونه‌ای دیگر از تلفظ (**ga**) می‌باشد.

مافیه **măfeya** یاد مرگ، بنای یادمان

* معرفه

اسمی است که نزد مخاطب معلوم و آشنا باشد. علامت معرفه در زبان بختیاری (که **ka**) است که به آخر اسم افزوده می‌شود. واژه‌هایی که به یک حرف صدادار ختم می‌شوند، تنها علامت (که **ka**) دریافت می‌کنند.

Piyă ← piyăka = مرد معلوم

cu ← cuka = چوب معلوم

koka ← ko = کوه معلوم

اسامی مختوم به واکه بی‌صدا هنگام پذیرفتن پی افزود (ka) واکه بی‌صدا مکسور می‌گردد.

koreka ← kor پسر معلوم

bigeka ← big بزغاله معلوم

موصف صفت‌های اشاره (ای) این (او) آن (هَم) همان (هِم) همین، همه مضموم می‌گردند. یعنی واکه (ُ O) را دریافت می‌کنند که می‌شود آنرا نوعی علامت معرفه خواند.

ای کرو ikoro = این پسر

اوددرو udoďaro = آن دختر

هَم قلمُ hamqalamo همان قلم

هِم جارو hem jahro همین جنگ

* نکره

نکره اسمی است که نزد مخاطب ناشناس باشد. علامت نکره در زبان لُری بختیاری (یه ya) «یک» می‌باشد.

یه پیا = yapiya یک مرد

یه پأر = yapahr یک برگ

* علائم جمع

علامت‌های جمع: «گل gal»، «یل yal»، «ال al»

این سه نشانه جمع که هر سه گونه‌هایی از یک نشانه واحدند، شاید اصیل‌ترین و کهن‌ترین نشانه‌های جمع زبان لُری بختیاری باشد که امروزه قلمرو آن مورد دست درازی نشانه‌های جمع بیگانه همچون «ون» و «ها» قرار گرفته و قدرت مانور را از آن در گسترهٔ واژگانی گرفته است.

گل gal: این علامت جمع در زبان کردی (سنندجی)، خویشاوند گویش

بختیاری نیز رایج است. گل **gal** اغلب با اسامی مختوم به صامت همراه می‌آید.

مانند:

کرگل **korgal** = پسران

درگل **dorgal** = دختران

یل yal: **yal** گونه‌ای دیگر از **gal** است، چرا که «گاف» در زبان لُری بختیاری بسیار به «یاء» تبدیل می‌شود. این علامت جمع در کردی (کرمانشاهی) دیگر خویشاوند گویش بختیاری نیز رایج است. بیشتر اسم هایی که به مصوت بلند ختم می‌شوند با این نشانه، جمع بسته می‌شوند.

مانند:

پیایل **piyăyal** = مردان

بختیاری یل **baxtiyari yal** = بختیاری‌ها

ال al: این نشانه جمع نیز گونه‌ای دیگر از **gal** است. این نشانه جمع بیشتر در لهجه **بختیاری جنوبی** که همجوار با کهگیلویه است کاربرد دارد و رایج است. لازم به یادآوری است که در گفتار لُرهای کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی و نیز لک‌ها علامت جمع همین نشانه می‌باشد.

پلل **palal** = گیسوان

برگل **borgal** = ابروها

علائم جمع «اُن **on**» و «ها». این دو علامت جمع بر خلاف **gal** و گونه‌های آن که از نشانه‌های اصیل جمع در زبان لُری بختیاری است، چندان اصیل و دیرین نیست اما رفته رفته عرصه را بر علائم دیگ تنگ‌تر می‌کنند.

«اُن **on**» یا «و **ŏ**»، هر چند همان «ان» جمع فارسی است که در برخی لهجه‌های فارسی «ون» هم تلفظ می‌شود اما پیشینه آن در عرصه واژگان بختیاری چندان تازه نمی‌نماید. چرا که پس از قبول این عنصر بیگانه،

موافق با دستگاه صوتی گویشوران و گویش بختیاری دگرگون شده است چنانکه هنوز توسط آن گروه از بختیاری‌ها که گفتارشان از زبان رسمی مصون مانده این نشانه بگونهٔ (ŏ) که «واو» ویژه است و برخی آنرا «واوغنه» خوانده‌اند، ادا و تلفظ می‌شود. اما این آوای ویژه نیز می‌رود که فراموش شده و «on» جانشین آن گردد.

شو Šav شب ← šavŏ ← یا šavon شب‌ها

جائل jăel جوان ← jăelŏ ← jăelon جوان‌ها

برخی اسامی که پیش از این «on» یا «ŏ» جمع بسته می‌شد اکنون با نشانهٔ جمع «ă» جمع بسته می‌شود.

aspon ← aspă اسب‌ها

kavgon ← kavagă کبک‌ها

علامت جمع «ها» در اسامی مختوم به مصوت.

اسامی بسته به آنکه مصوت یا صامت باشند، علامت جمع «ها» در آن اسامی تغییرپذیر است.

مانند:

* اسامی مختوم به مصوت «ă»

kală = کلاغ

kalăhă = کلاغ‌ها

* اسامی مختوم به مصوت «u»

tu = پوست

tuvă = پوست‌ها

* اسامی مختوم به مصوت «i»

Ti = چشم

Tiya = چشم‌ها

* اسامی مختوم به مصوت «y»

pey = دیوار

peyă = دیوارها

* اسامی مختوم به مصوت «a»

zehra = نعلبکی

zehră = نعلبکی‌ها

* اسامی مختوم به صامت:

avr = ابر

avră = ابرها

Tohm = بذر، نژاد

Tohmă = بذرها، نژادها

* فعل و ساختمان آن

* **فعل ساده**: فعلی که مصدر آن بیش از یک کلمه نباشد.

وسدن **vasden** افتادن

هائیدن **hăiden** جویدن

* **فعل پیشوندی**: فعلی که از یک پیشوند و یک فعل ساخته شود:

ورآسنیدن **Vorăsniden** سرکشیدن مایعات

وافریدن **văferiden** آفریدن

درگشدن **dargăsden** واژگون شدن

ور vor یـا **var**، در **dar** وا **vă** پـیشوندهایی هستند کـه فـعل پـیشوندی می‌سازند.

* **فعل مرکب**: فعلی که از یک صفت یا اسم یا یک فـعل سـاده سـاخته می‌شود.

راسد کردن **răst kerden** درست کردن

وندن واهنده **vanden văhanda** خنداندن

* مصدر

مصدر، کلمه‌ای است که بر انجام کار بدون در نظر گرفتن زمان دلالت می‌کند. مصدر در زبان بختیاری از بن ماضی + نِ **en** ساخته می‌شود.

دردن **derden** پاره کردن

وندن **vanden** انداختن

* فعل لازم

فعلی است که به مفعول نیاز ندارد:

ویدن **veyd̆en** آمدن

هندسدن **handesden** خندیدن

* فعل متعدی

فعلی که به مفعول نیاز دارد:

زیدن **zeyd̆en** زدن

اشکنادّن **eškenăd̆en** شکستن

* فعل معلوم

فعلی که فاعل آن معلوم باشد همچون فعل (اشکناد) و (زید) در دو جمله زیر:

مرداس چونه اشکنادّ

merd̆as cune eškenăd̆

مرداس چوب را شکست

مرداس رضانه زید

merdas rezane zeyd

مرداس رضا را زد

* فعل مجهول

فعلی که فاعل آن معلوم نباشد مانند دو فعل (اشکست) و (زئنست) در دو جمله زیر:

چواشکسد **eskasd** چوب شکسته شد

رضا زئنسد **reza zahnesd** رضا زده شد

مصدر فعل مجهول همیشه به (سدن **esden**) ختم می‌شود. این فعل از فعل متعدی ساخته می‌شود مانند:

بریدن **boriden** = بریدن ← متعدی

بئرسدن **bohresden** = بریده شدن ← مجهول

کندن **kanden** = کندن ← متعدی

که‌نسدن **kahnesden** = کنده شدن ← مجهول

جدول زیر زمان‌های گوناگون فعل مجهول را از مصدر «که نسدن» (کنده شدن – تجمع کردن) نشن می‌دهد:

* ماضی مطلق ساده

که‌نسدم	که‌نسدی	که‌نسد
که‌نسدیم	که‌نسدین	که‌نسدن

* ماضی نقلی

که‌نسدمه	که‌نسدی یه	که‌نسد
که‌نسدیمه	که‌نسدینه	که‌نسدنه

*** ماضی استمراری**

اکه‌نسدم	اکه‌نسدی	اکه نسد
اکه‌نسدیم	اکه‌نسدین	اکه‌نسدن

*** ماضی بعید**

که‌نسدم‌بی	که‌نسدبی	که‌نسدبی
که‌نسدیم	که‌نسدین‌بی	که‌نسدن‌بی

*** مضارع ساده**

که‌نم	که‌نی	که‌نه
که‌نیم	که‌نین	که‌نن

*** مضارع التزامی**

بکه‌نم	بکه‌نی	بکه‌نه
بکه‌نیم	بکه‌نین	بکه‌نن

٤٢

*** مضارع اخباری**

اکه‌نم	اکه‌نی	اکه‌نه
اکه‌نیم	اکه‌نین	اکه‌نن

در افعال مجهول و برخی افعال لازم که مصدرشان به (سدن **esden**) ختم می‌شود، پسوند (سدن **esden**) تنها در زمان گذشته صرف می‌شود و هنگام صرف زمان حال این افعال، **(esden)** حذف می‌گردد.

گئرسدم **gĕhresdom** = گرفته شدم (اول شخص ماضی ساده)

گئرم **gĕhrom** = گرفته شوم (اول شخص مضارع ساده)

* شناسه (۱)

جزئی که در فعل، شخص یا اول شخص، دوم شخص، سوم شخص را نشان می‌دهد شناسه نام دارد. شناسه‌ها دو دسته‌اند: شناسه‌های مفرد و شناسه‌های جمع. جدول زیر شناسه‌ها را در یک فعل زمان حال و در یک فعل زمان گذشته نشان می‌دهد: **vanden** انداختن[۱]

شخص	مفرد یا جمع	شناسه	زمان گذشته	زمان حال
اول شخص	مفرد	om	vadom انداختم	vanom اندازم
دوم شخص	مفرد	i	vandi انداختی	vani اندازی
سوم شخص	مفرد	vanday_ ak*	انداخت	vane اندازد
اول شخص	جمع	im	vandim انداختیم	vanim اندازیم
دوم شخص	جمع	in	vandin انداختید	vanin اندازید
سوم شخص	جمع	en	vanden انداختند	vanen اندازند

* هر چند بسیاری از بختیاری‌ها سوم شخص مفرد را با شناسهٔ **(ak)** یا **(یَ ay)** به کار می‌برند مانند: **vandak** انداخت یا **raday** رفت. با این حال این امر عمومیت ندارد و بدون شناسه به کار می‌رود.

* شناسه (۲)

تحفیف: در افعالی که بن ماضی آن مختوم به «**ď**» است، تمایلی شدید هست که اینکه «**ď**» حذف شود. در نتیجه برخی ساخت‌های زمان گذشته این افعال و بالطبع برخی شناسه‌ها (اول شخص و دوم شخص مفرد و سوم شخص جمع) دگرگون شد، تخفیف و تغییر می‌یابد:

---

۱. besten صورت کهن ترِ این فعل است.

فعل زدن:

	ساخت کامل	ساخت مخفف
اول شخص مفرد	zeydom	zeym = زدم
	زیدم	زیم
دوم شخص مفرد	zeydi = زدی	بدون تخفیف
	زیدی	
سوم شخص مفرد	zeyd	zey = زد
	زید	زی
اول شخص جمع	zeydim = زدیم	بدون تخفیف
	زیدیم	
دوم شخص جمع	zeydim = زدید	بدون تخفیف
	زیدین	
سوم شخص جمع	zeyden	zeyn = زدند
	زیدن	زین

فعل آمدن:

	ساخت کامل	ساخت مخفف
اول شخص مفرد	veydom	veym = آمدم
	ویدم	ویم
دوم شخص مفرد	veydi = آمدی	بدون تخفیف
	ویدی	
سوم شخص مفرد	veryd	vey = آمد
	وید	وی
اول شخص جمع	veydim = آمدیم	بدون تخفیف
	ویدیم	

دوم شخص جمع	veyd̆in	بدون تخفیف
	ویدین	
سوم شخص جمع	veyd̆en	veyn = آمدند
	ویدن	وین

*** ماضی مطلق**

ساختار آن بدین گونه است:

بازسدم	bă̆zesdom	رقصیدم
بازسدی	bă̆zesdi	رقصیدی
بازسد	bă̆zesd	رقصید
بازسدیم	bă̆zesdim	رقصیدیم
بازسدین	bă̆zesdin	رقصیدید
بازسدن	bă̆zesden	رقصیدند

*** ماضی استمراری**

ساختار آن بدین گونه است:

ابازسدم	eb̆ă̆zesdom	می‌رقصیدم
ابازسدی	eb̆ă̆zesdi	می‌رقصیدی
ابازسد	eb̆ă̆zesd	می‌رقصید
ابازسدیم	eb̆ă̆zesdim	می‌رقصیدیم
ابازسدین	eb̆ă̆zesdin	می‌رقصیدند
ابازسدن	eb̆ă̆zesden	می‌رقصیدند

*** ماضی مستمر (ملموس)**

ساختار آن بدین گونه است:

هی انیشدم	hey eneyă̆sdom	داشتم نگاه می‌کردم

هی اندیشدی	hey eneyašdi	داشتی نگاه می‌کردی
هی انیشد	hey eneyašd	داشت نگاه می‌کرد
هی انیشدیم	hey eneyašdim	داشتیم نگاه می‌کردیم
هی انیشدین	hey eneyašdin	داشتید نگاه می‌کردید
هی انیشدن	hey eneyašden	داشتند نگاه می‌کردند

*** ماضی نقلی**

ساختار آن بدین گونه است:

وسدمه	vasdome	افتاده‌ام
وسدی‌یه	vasdiye	افتاده‌ای
وسده	vasde	افتاده است
وسدی‌مه	vasdime	افتاده‌ایم
وسدی‌نه	vasdine	افتاده‌اید
وسدنه	basdene	افتاده‌اند

*** ماضی بعید**

ساختار آن بدین گونه است:

ویدم‌بی	veydom bi	آمده بودم
ویدی‌بی	veydi bi	آمده بودی
ویدبی	veyd bi	آمده بود
ویدیم‌بی	veydim bi	آمده بودیم
ویدین‌بی	veydin bi	آمده بودید
ویدن‌بی	veyden bi	آمده بودند

* ساختار بالا نشان می‌دهد که در زبان لُری بختیاری برخلاف زبان فارسی شناسه‌ها به فعل اصلی می‌چسبد و فعل معین (بودن) بدون تغییر

می‌ماند. ساختار اصیل ماضی بعید همچون دیگر ارکان زبان لُری بختیاری از تعدی زبان فارسی مصون نمانده و می‌رود که فرو ریزد و فراموش شود، چراکه امروزه بختیاریان این فعل را تحت تأثیر ساختار زبان فارسی آن صرف می‌کنند، یعنی شناسه‌ها را به فعل معین می‌چسبانند و نه به فعل اصلی. بدین صورت:

ویده بیدم **veydebidom** آمده بودم (!؟)

* مضارع اخباری

ساختار این فعل بدین گونه است:

انم	**enom**	می‌گذارم
انی	**eni**	می‌گذاری
انه	**ene**	می‌گذارد
انیم	**enim**	می‌گذاریم
انین	**enin**	می‌گذارید
انن	**enen**	می‌گذارند

نشانه مضارع اخباری، پیش افزوده «e» است.

درگونه ساده مضارع اخباری، فعل بدون پیش افزود «e» صرف می‌شود.

نم	**nom**	می‌گذارم
نی	**ni**	می‌گذاری
نه	**ne**	می‌گذارد
نیم	**nim**	می‌گذاریم
نین	**nin**	می‌گذارید
نن	**nen**	می‌گذارند

* مضارع مستمر

ساختار این فعل بدین گونه است:

اناهندم	**onehandom**	دارم می‌خندم
اناهندی	**onehandi**	داری می‌خندی
اناهنده	**onehande**	دارد می‌خندد
اناهندیم	**onehandim**	داریم می‌خندیم
اناهندین	**onehandin**	دارید می‌خندید
اناهندن	**onehanden**	دارند می‌خندند

پیش افزود «**on**» نشانه مضارع مستمر است.

* «**on**» تخفیف یافته «**honey**»، «**oney**» و «**ono**» می‌باشد که هر سه گونهٔ مزبور، در لهجه‌های مختلف گویش بختیاری متداول است.

* مضارع التزامی

ساخت آن بدین گونه است: پیشوند (ب **be**) + بن مضارع + شناسه‌های (مُ **om**) اول شخص مفرد (ی **i**) دوم شخص مفرد (ِ **e**) سوم شخص مفرد (ایم **im**) اول شخص جمع (این **in**) دوم شخص جمع (نِ **en**) سوم شخص جمع

بئلم	**bĕhlom**	بگذارم
بئلی	**bĕhli**	بگذاری
بئله	**bĕhle**	بگذارد
بئلیم	**bĕhlim**	بگذاریم
بئلین	**bĕhlin**	بگذارید
بئلن	**bĕhlen**	بگذارند

آن افعالی که پیشوند (ب **be**) را می‌پذیرند، گـهگاه بـدون پیشوند هم صرف می‌شوند.

افعال (بیدن) بودن (آبیدن) شدن و نیز افعال پیشوندی از

پذیرفتن پیش افزود (ب be) سرباز می‌زنند مانند:

ورسدم	voresdom	برخیزم
ورسدی	voresdi	برخیزی
ورسده	voresde	برخیزد
ورسدیم	voresdim	برخیزیم
ورسدین	voresdin	برخیزید
ورسدن	voresden	برخیزند

* فعل امر و نهی

ساختار فعل امر بدین گونه است که گاه همراه با پیش افزود (ب be) به کار می‌رود:

بچین becin بباف　　بنر benar نگاه کن

گاه بدون پیش افزود (ب be) بکار می‌رود بویژه افعال پیشوندی:

ولا volă ماساژ بده، بمال　　وره vore بلند شو

* ساختار فعل نهی اینگونه است که پیش افزود «ma» نشانه فعل نهی است:

مگریو mageriv گریه نکن　　مدیس madis نچسب

فعل دعایی

فعل دعایی به گونه مذبور ساخته می‌شود:

صفت فاعلی + شناسه‌های (م m) اول شخص مفرد (ی y) دوم شخص مفرد (...) سوم شخص مفرد بدون شناسه (یم ym) اول شخص جمع (ین yn) دوم شخص جمع (ن n) سوم شخص جمع

بام	băm	بشوم
بای	băy	بشوی

با	bă	بشود
بایم	băym	بشویم
باین	byăn	بشوید
بان	băn	بشوند

* ی ya (یاء) در زبان لُری بختیاری

این یاء سه گونه است:

الف) یاء شرط: ادات شرط + ب be + بن ماضی + ay

ایربویدی ayar beveyday اگر می آمد

اربخردمی ar bexardomay اگر می خوردم

یاء شرط به فعل مفهوم ماضی استمراری می دهد

ب) یاء تمنا: ادات تمنا + ب be + بن ماضی + ay

کاشگی بویدی kašgay be veyday کاش بیاید

خدای بمردی xodăy be morday الهی بمیرد

یاء تمنا به فعل مفهوم مضارع التزامی می دهد. تنها یک فعل از این قاعده مستثنی است:

کاشگی بیدمی kăšgay bidomay کاش می بودم

فعل (بیدن biden) نه پیش افزود (be) می پذیرد و نه مفهوم مضارع التزامی می دهد بلکه مفهوم فعل ماضی استمراری را می رساند.

ج) یاء استمراری: be + بن ماضی + ay

بگودی begoday + باید می گفت

بخردی ای bexardiay = (باید) می خوردی

یاء استمراری به فعل مفهوم التزامی می دهد.

* علامت مفعولی

در زبان لُری بختیاری نشانه مفعول پی افزود « ِ e» است. هوش فرو
havše foro = خانه (حیاط) را فروخت

چنانچه مفعول مختوم به مصوت باشد. بین مفعول و پی افزود « ِ e» (ن **n**) میانجی بکار برده می‌شود.

دونِ پشگنید **dune pešgenid** = دوغ را پاشید

البته در مواقعی که ضمیر متصل با مفعول به کار رود، ضمیر به جای **(n)** میانجی می‌نشیند:

دومه هرد **dume hard** = دوغ مرا خورد

* چند نمونه از تبدیلات در زبان بختیاری

الف) تبدیل «**d**» به «ل **L**»

دیو ← لیو + ه = لیوه (دیوانه)

دش ← لیش = لیش (بد، زشت)

دان ← دون ← لون ـ (اسم مکان)

تبدیل «گ **g**» به «ی **y**»

جگر ← جی‌یر = جی یر ـ (جگر)

بنگر ← بنیر = بنیر (نگاه کن)

تبدیل «ش **š**» به «س **s**»

انگشت ← انگست

مشتش ← مستس

تبدیل «خ **x**» به «ه **h**»

خالو ← هالو

خر ← هر

تبدیل «س S» به «ش š»

فرستاد ← فرشناد

خاکستر ← هاکشتر

۵۲

شماره ۳
بهار و تابستان
۱۳۸۶

ولات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی قوم بختیاری
و سایر همزبانان لُر

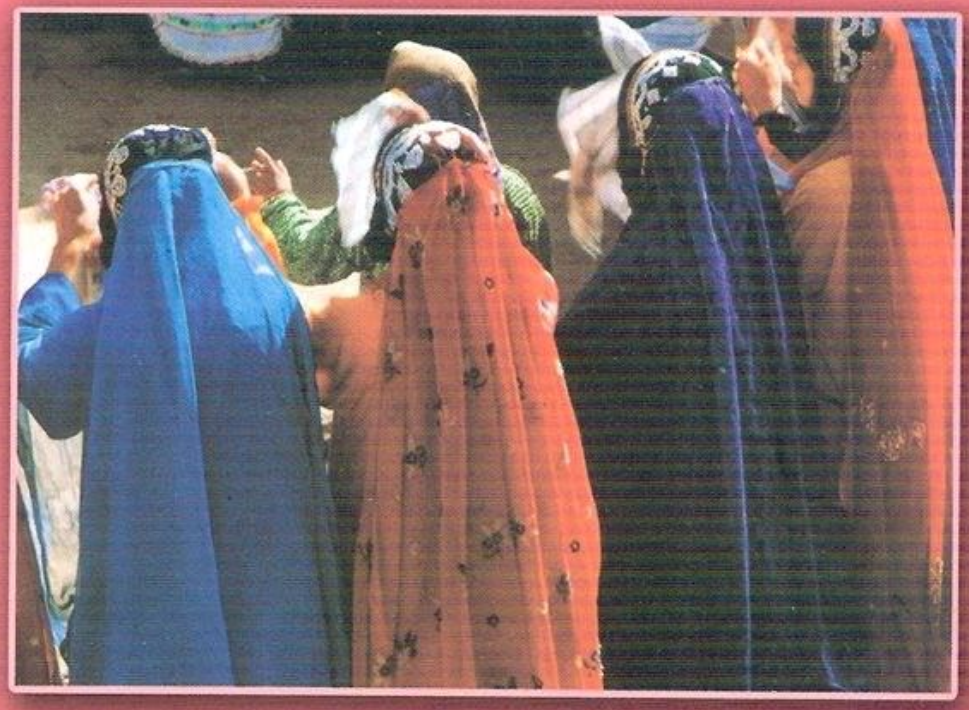

ویژه‌نامه
خودآموز زبان
لُری بختیاری